

از بادۀ کبر مست و مخمور مشو
وز راه سلامت و خرد دور مشو
روزی دو اگر جهان به کام تو شود
از شادی این دو روز مغرور مشو

ترسم ای مرگ نیایی تو و من پیر شوم
وینقدر زنده بمانم که ز جان سیر شوم
پیش دشمن سپر افکندن من هست محال
در ره دوست گر آماجگه تیر شوم

از غزل‌های معروف فرخی است:
شب چو در بستم و مست از می نایش کردم
ماه اگر حلقه به در کوقت جوابش کردم
دیدم آن ترک ختا دشمن جان بود مرا
گرچه عمری به خطا دوست خطابش کردم
منزل مردم بیگانه چو شد خانه چشم
آنقدر گریه نمودم که خرابش کردم
شرح داغ دل پروانه چو گفتم با شمع
آتشی در دلش افکندم و آیش کردم
غرق خون بود و نمی مرد ز حسرت فرهاد
خواندم افسانه شیرین و به خوابش کردم
دل که خوابه غم بود و جگرگوشه درد
بر سر آتش جور تو کبابش کردم
زندگی کردن من مردن تدریجی بود
آنچه جان کرد تنم، عمر حسابش کردم

این غزل فرخی که در زیر می آید به مناسبت نهضت مشروطه سروده شده بود، یادآور سرودهای رایج روزهای اولین پیروزی انقلاب در کشور گرامی ماست.
قسم به عزت و قدر و مقام آزادی
که روح بخش جهان است نام آزادی
به پیش اهل جهان محترم بود آن کس
که داشت از دل و جان احترام آزادی
هزار بار بود به ز صبح استبداد
برای دسته پا بسته، شام آزادی
به روزگار قیامت بیا شود آن روز
کنند رنجبران چون قیام آزادی
اگر خدای به من فرصتی دهد یک روز
کشم ز مرتجعین انتقام آزادی
ز بند بندگی خواهی کی شوی آزاد
چو «فرخی» نشوی گر غلام آزادی

منابع

- دیوان فرخی یزدی، گردآوری حسین مکی، چاپ‌های مجدد از ۱۳۲۰ تا ۱۳۷۸ (جاودان)
- تذکره شعرای یزد، عباس فتوحی یزدی، کتابفروشی تاریخ، ۱۳۶۶
- از نیما تا روزگار ما (سومین جلد از مجلدات از صبا تا نیما) یحیی آرین پور، زوار، ۱۳۷۳
- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، حسن مرسلوند (جلد پنجم) انتشارات الهام، ۱۳۷۵
- تاریخ چرایید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی (۴ جلد) انتشارات کمال اصفهان، ۱۳۶۴

لشگرکشی خشایارشا به یونان



■ لشگرکشی خشایارشا به یونان
■ تالیف: چارلز هیگنت
■ ترجمه: خشایار بهاری
■ ناشر: کارنگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸

بدون شک یکی از مهمترین رویدادهای عهد باستان ایران لشگرکشی عظیم خشایارشا به یونان است. خشایارشا پس از دوازده سال نیابت سلطنت، به سال ۴۸۶ ق. م، در سن سی و پنج سالگی به جای پدرش داریوش بر تخت امپراطوری هخامنشیان نشست و ابتدا شورش مصر را در سال ۴۸۴ ق. م، و سپس طغیان بابل را با خشونت فرونشاند اهتمام و علاقه خاص او به بنای کاخ‌های باشکوه، به ویژه اتمام قصر داریوش در تخت جمشید از ویژگی‌های ماندگار او در تاریخ است. خشایارشا تحت تأثیر تحریکات و تلقینات اطرافیانش - به ویژه مردونیه (مردونیوس) - مشاور اصلی و فرمانده سپاهیان - و تبعیدیان آتن، همچنین انتقام توهین آتنی‌ها به پارس‌ها و پدرش - داریوش - و دلایل دیگر، سپاهی عظیم متشکل از سربازان ملل تابع امپراطوری هخامنشی که به گفته هرودوت بالغ بر چهل و هشت گونه اقوام مختلف بودند، در قالب دو نیروی زمینی و دریایی با تجهیزاتی فراوان در سال ۴۸۱ ق. م راهی فتح سرزمین یونان گردید. تعداد دقیق نیروهای خشایارشا به درستی مشخص نیست و هنوز جزو ابهامات تاریخ است - چنانکه خواهیم دید یکی از محورهای پژوهش پروفیسور چارلز هیگنت در کتاب مورد معرفی نیز بررسی همین مسئله است - اما بی تردید می‌بایست سپاهی چشم‌گیر و با عظمت و وسعتی بسیار فراتر از حد و اندازه‌های معمول

آن عصر بوده باشد که رساندن تعداد سربازان را به چند میلیون توجیه پذیر ساخته است، لشکر امپراطوری هخامنشی از پلی که با کشتی‌ها و درخت‌ها بر روی تنگه هلسپونت (داردanel) ایجاد شده بود، عبور کرد و پس از تصرف مقدونیه و تسالیا، با نخستین مقاومت آتنی‌ها در گذرگاه «ترموپیل» مواجه شد نیروهای خشایارشا، تنگه را دور زده، مقاومت آتنی‌ها را درهم شکستند و به راحتی تا تصرف آتن پیش رفتند. ظاهراً این تنها پیروزی هخامنشی‌ها در این لشگرکشی بود. در سه جنگ بعدی که در «سالامیس» (۴۸۰ ق. م)، «پلاته» (۴۷۹ ق. م) و «میکال» (۴۷۹ ق. م) روی داد و اولی و سومی آنها، نبردی دریایی بود، سپاهیان ایران موفقیتی کسب نکردند، عدم کامیابی ایرانیان در این لشکرکشی پرهزینه و بزرگ را ناشی از اشتباهات نظامی و سیاسی خود ایرانیان به انضمام بخت بد و اقبال نامساعد آنان دانسته‌اند. بی‌نظمی قشون، کمبود خوراک برای تغذیه آنها، تنوع و ناهمگونی سپاهیان که با نظم و انسجام لازمه ارتش منافات داشت، کثرت نیرو

خشایارشا -
سنگ نگاره بارعام -
تخت جمشید



به شهرت کتاب در میان پژوهشگران غربی از آن رو است که حل یک مسئله ریاضی، ثابت می‌کند شمار سپاهیان ایرانی در لشگرکشی به یونان حداکثر هشتاد هزار نفر بوده و ارقام نجومی ادعایی راویان هرودوت، اغراق و یا اشتباهی غیر عمد است که خود داستان جالبی دارد

بدنامی فراهم آورده بود».^۲

علی ایحال بررسی چند و چون تلاش برای ارائه تصویری واقعی از لشکرکشی خشایارشا به یونان، موضوع پژوهش پروفسور چارلز هیگنت استاد تاریخ دانشگاه آکسفورد می‌باشد که در سال ۱۹۶۲ در مجموعه انتشارات آن دانشگاه منتشر شده است و ترجمه آن به وسیله آقای خشایار بهاری اخیراً در اختیار باستان پژوهان کشور قرار گرفته است. با نویسنده، روش او و اهمیت کتاب در مقدمه آن اینگونه آشنا می‌شویم: «پروفسور چارلز هیگنت، سی و چهار سال تمام موضوع لشکرکشی خشایارشا به یونان را در کالج هرتفورد دانشگاه آکسفورد تدریس کرد و کتاب حاضر را در دوره بازنشستگی و در پایان نیم قرن تحصیل و تدریس در قدیمی‌ترین دانشگاه جهان (یاسابقه هشتصد ساله) به نگارش درآورد. تخصص او تاریخ یونان است اما در عمل، منازعات مشهور ایران و یونان را با سبکی شاخص به گونه‌ای شکافت که کتابش، مرجعی بی‌چون و چرا شد. وی نوشته‌های مورخین

«واقعه جنگ ایران و یونان که تاریخ هرودوت با آن پایان می‌یابد و در عین حال از آن یک نوع حماسه پرشکوه و آکنده از لاف و گزاف می‌سازد، اگر برای یونانی‌های عهد استخولیس (۴۵۶-۵۲۵ ق. م) هیجان غرور انگیز شاعرانه‌ای در برداشت، در دنیای ایران جز یک حادثه عادی در سلسله جنگ‌های مستمر و حداکثر جز شکست موقت یک نقشه توسعه جویانه تلقی نمی‌شد. برخلاف ادعاهای هیجان‌آمیز بعضی مورخان، اگر تمام وقایع ماراتون و سالامیس و موکاله هم به زیان یونان منتهی می‌شد، باز شکست یونان متضمن غلبه بربریت و مانع از توسعه فرهنگ و آزادی نمی‌شد، چنانکه مستعمرات یونانی آسیای صغیر قرن‌ها تحت حکومت ایرانی‌ها بودند و فرهنگ و هنر آن‌ها هم باقی ماند و لطمه‌ای ندید. درحقیقت آنچه در این احوال آزادی و فرهنگ یونانی را ممکن بود تهدید کند، بربریت پارسی‌ها نبوده، بی‌تسامحی و خشونت شخص خشایارشا بود که تلون مزاج و استبداد طبیعی او نه فقط در یونان بلکه نیز در مصر و بابل هم برای وی موجبات

که فعالیت آنها را در مناطق تنگ و باریک با مشکل مواجه می‌ساخت، پیوستن سپاهیان ایونی ارتش خشایارشا به برادران اروپایی خود، طوفان در دریا و درهم شکستن کشتی‌های ایرانیان و بسیاری موارد دیگر را می‌توان از جمله دلایل عدم موفقیت لشکریان ایران به شمار آورد.

خشایارشا پس از جنگ سالامیس، که ظاهراً از روی تپه‌ای شاهد درهم شکسته شدن جهازات دریایی خود بود، به ایران بازگشت و ادامه جنگ را به «مردونیه» سپرد که او نیز در جنگ پلاته کشته شد. خشایارشا عاقبت در سال ۴۶۵ ق. م در کاخ مجلل خود طی توطئه‌ای درباری کشته شد. سخن روان جاوید، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در تحلیل و بررسی لشکرکشی خشایارشا به یونان، بیش از هر اظهار نظر دیگری منطقی و علمی به نظر می‌آید که دریغ آمد آن را نقل نکنم. استاد فقید پس از تعمق و ژرف‌نگری در داده‌های تاریخی و با استفاده از روش و دیدگاه علمی، نقادانه و منطقی خاص خود پیرامون این واقعه می‌نویسند:

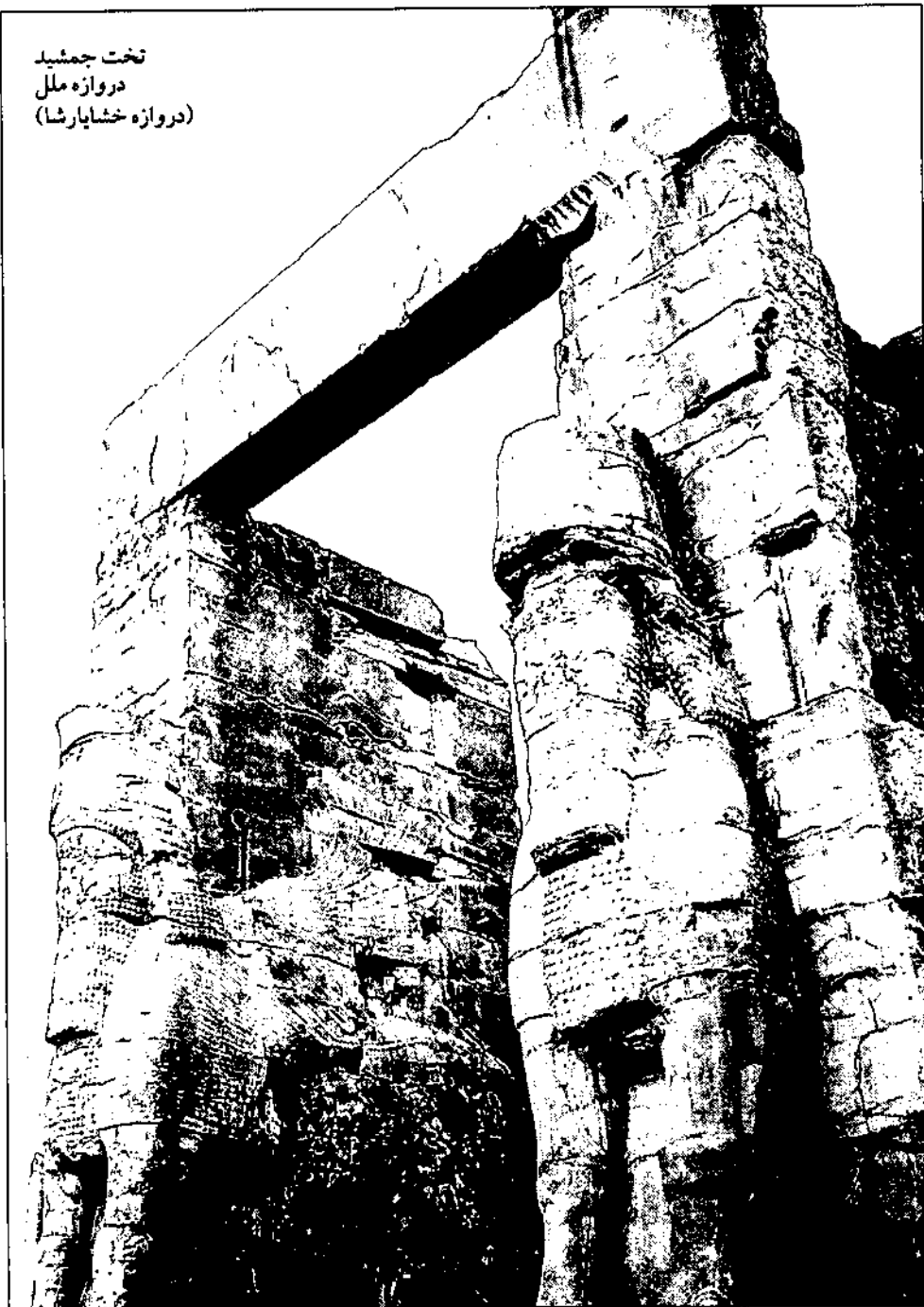
برجسته معاصر چون گروندی، مونرو، ماکان، ولز و دیگران را به نقد کشید و کاوش بر مبنای تواریخ هرودوت را به کمال خود رساند. شهرت کتاب در میان پژوهشگران غربی از آن رو است که به سان حل یک مسئله ریاضی، ثابت می‌کند شمار سپاهیان ایرانی در لشکرکشی به یونان حداکثر هشتاد هزار نفر بوده و ارقام نجومی ادعایی راویان هرودوت، اغراق و یا اشتباهی غیر عمد است که خود داستان جالبی دارد.

اما نوآوری عمده کتاب برای خواننده فارسی زبان، نمود بن علمی یک کاوش تاریخی است که بی شبهات به یک تحقیق ریاضی نیست، امری که متأسفانه تا به حال در نوشته‌های داخلی عنایت چندانی بدان نشده است.

پروفیسور هیگنت در اثر حاضر تلاش کرده آن چه را که به واقع در سال‌های ۴۸۰ و ۴۷۹ ق. م رخ داده، کشف و ترسیم نماید و در این راه اساس کار خود را بر روایت هرودوت، به عنوان مهمترین منبع اصلی مربوط به جنگ که سه کتاب آخر او را تشکیل می‌دهند، قرار داده است، لیکن شیوه استفاده ایشان از گزارش هرودوت، با نقد و تحلیل جدی و علمی و همه‌جانبه همراه است نه صرفاً استناد و تکرار گفته‌های هرودوت. او ضمن تأیید و حتی تأکید بر نقاط ضعف و گزافه‌گویی‌ها و قصه‌پردازیهای هرودوت، در عین حال معتقد است: «یک مورخ معاصر می‌تواند علی‌رغم ضعف‌های موجود در نوشته‌های هرودوت، با تدابیری خاص اقدام به بازسازی تواریخ جنگ‌های ایران و یونان کند». نویسنده همچنین از منابع دست دوم یونانی که مربوط به سالهای بعد از روی دادن جنگ‌ها می‌شود و تا حدودی گزارش هرودوت را تکمیل می‌نمایند نیز سود جسته است.

بنابراین مؤلف به شیوه‌ای کاملاً نقادانه و تحلیل‌گر و ژرف‌نگر به ارزیابی گزارش هرودوت و سنجیدن آن با شرایط زمانی و مکانی واقعه و عبور دادن نظرات هرودوت، مورخان دیگر، محققان معاصر و حتی عقاید خود از زیر ذره‌بین منطق علمی و عقل تاریخی - به‌ویژه تاریخ نظامی - به بازسازی و ترسیم رویدادهای جنگ و معرفی و توصیف عملکرد و نقش فرماندهان و بسیاری از قهرمانان و شخصیت‌های حاضر در این لشکرکشی می‌پردازد. کتاب با فهرست مطالب، مقدمه مترجم و ناشر، پیشگفتار و سپس مقدمه نویسنده آغاز می‌گردد. مؤلف در پیشگفتار کوتاه خود به شرح و نقدهای بسیار موجز از پژوهش‌ها و دستاوردهای محققان پیش از خود اشاره می‌نماید و از پافشاری «دلبروک» بر محالات مندرجات کتاب هرودوت، تحقیقات گسترده «گروندی» در میادین جنگ ترومپیل و پلاته، نقش «مونرو» در شناسایی منابع دست دوم باستانی و تحقیقات انتقادی‌اش بر هرودوت، و بالاخره نشان دادن دشواری‌های تاریخی و دست‌نویسی متن هرودوت توسط «ماکان» سخن می‌گوید.

پروفیسور هیگنت در مقدمه نیز پس از اشاره به «مبانی تحقیقات جدید» به نقد و تحلیل مفصلی از تنها منبع اصلی جنگ‌ها یعنی تواریخ هرودوت (سه جلد آخر) و «منابع دست دوم» همچون آثار توسیدید، کتزیاس، پلوتاک آرتستوفانس و دیگران، همچنین



تخت جمشید
دروازه ملل
(دروازه خشایارشا)

بازسازی جنگ‌های ایران و یونان محسوب می‌شود، چرا که دیگر روایات، در موارد متناقض با آن، مورد اعتماد نیست این به معنای اکتفا به یک بازسازی غیرمنتقدانه جنگ بر مبنای مندرجات سه کتاب آخر هرودوت نیست، و درواقع، راه میانه‌ای بین پذیرش چشم و گوش بسته روایت، و شک‌گرایی افراطی - که به نابودی مبانی دانسته‌ها می‌انجامد - وجود دارد. یک مورخ معاصر باید در توصیف خود از نبرد، با تدابیر ویژه‌ای به مقابله با اشکالات وارد بر هرودوت برخیزد. در نگاه اول حذف افسانه‌های «افزوده» بر روایات - با هدف اصلاح تقایص ناشی از «تأثیرات فوق طبیعی» - و نیز کاهش ارقام گزاف از تعداد نیروهای مهاجم، کاملاً منطقی می‌نماید، اگرچه سلیقه منتقدین در جایگزین کردن تصویری دیگر می‌تواند متفاوت باشد خوشبختانه، روایات شفاهی ضیبط شده در نوشته‌های هرودوت، اغلب به کار تصحیح سخنان او، آن هنگام که در اشتباه است می‌آید.

شناسایی مورخان و آثار تاریخی گم‌شده‌ای که به جنگ ایران و یونان پرداخته‌اند و سلسله منابع و استفاده مورخان از گزارش‌های مورخان قبلی می‌پردازد، آنگاه شرح حال و ارزیابی و تبیین جامعی از هرودوت و کتابش ارائه می‌کند. وی در این قسمت تلاش نموده زمان دقیق تألیف کتاب هرودوت، به ویژه زمان نگارش شرح لشکرکشی خشایارشا با استفاده از قراین مختلف تعیین نماید. نحوه گردآوری اطلاعات، منابع مورد استفاده، روش تألیف و تدوین، دیدگاه و فلسفه تاریخ، ایرادات و نقاط ضعف و قوت هرودوت و تواریخ او، مقولات دیگری هستند که پروفیسور هیگنت در مقدمه مورد بحث و بررسی قرار داده است. نگارنده اهمیت کتاب هرودوت را برای بررسی جنگ‌های ایران و یونان، نیز روش خود در بهره‌گیری از اثر هرودوت اینگونه بیان می‌کند: «...علی‌رغم تمامی این ایرادات، تاریخ هرودوت که بر گزارشات شاهدان عینی استوار است، تنها منبع موثق در

دشوارتر از آن، جستجو و حذف مواردی است که به واسطه غیرممکن یا بسیار نامحتمل بودن، غیرقابل قبول می‌نماید...

هرچند منتقد باید پیش از رد یک گفته یا گزارش هرودوت، از غیرقابل اعتماد بودن آن کاملاً مطمئن شده باشد و خود با معیارهای غلط، بی‌راهه نرود. بنابراین گام نخست و اجتناب‌ناپذیر در بازسازی جنگ‌های ایران و یونان، بررسی داده‌های موجود در باب تشکیلات نظامی و شیوه رزم دو طرف متخاصم است که به خودی خود، فرآیند بازسازی را از مقایسه‌های گمراه‌کننده با نبردهای امروز، مصون نگاه می‌دارد.^۳

نویسنده در ادامه مقدمه، به تشریح و توصیف ترکیب گروه‌های تشکیل دهنده و ساز و برگ و تعداد نیروهای دو طرف ایرانی و یونانی، به ویژه بر اساس روایت هرودوت، همچنین نقل و نقد اظهارنظرهای مختلف در این خصوص می‌پردازد. آخرین بحث مؤلف در مقدمه، ارزیابی و تحلیل گزارش هرودوت از نبرد «ماراتن» و ارائه ایرادات منتقدان آن و آشکار ساختن ضعف و قوت روایت هرودوت به عنوان نمونه‌ای از کار هرودوت است و به این ترتیب مقدمه نسبتاً مفصل کتاب به پایان می‌رسد و فصل‌های هفتگانه آن آغاز می‌یابد.

نخستین فصل کتاب با عنوان «پیش از لشکرکشی» به بیان مقدمات و زمینه‌های لشکرکشی اختصاص دارد. در این فصل ابتدا روابط ایران و یونان تا زمان درگذشت داریوش بزرگ مرور می‌شود، آنگاه از تدارک ایرانیان به لشکرکشی سخن به میان می‌آید. سپس وضعیت ایالات یونان در آستانه لشکرکشی خشایارشا تشریح می‌گردد و به عنوان آخرین مبحث فصل اول، برآوردی از شمار ناوها و سپاهیان ایران به دست داده می‌شود. بازسازی مراحل آغازین لشکرکشی و حمله ایران به سرزمین‌های شمالی یونان و پیش‌روی تا تنگه ترموپیل، مقاومت یونانی‌ها در این تنگه و تحلیلی از نتیجه نبرد ترموپیل موضوع فصل دوم کتاب است. در پایان این فصل دو پیوست نیز ضمیمه شده است که در اولی تلاش شده موضع جغرافیایی محلی

موسوم به «تراخه» در غرب تنگه ترموپیل مشخص گردد و در پیوست دوم سعی شده موقعیت «مسیر آنوب» که سپاهیان ایران از آن طریق تنگه ترموپیل را دور زدند تعیین گردد.

فصل سوم کتاب به توصیف نبردهای دریایی آرتیمیزیون میان ناوگان ایران و یونان اختصاص دارد این فصل نیز از سه پیوست برخوردار است، که در هر کدام موضوعی مربوط به نخستین درگیری‌های بحری ایران و یونان می‌پردازد: «اعزاز ادعایی ناوهای جنگی ایران به دور زدن جزیره اثوبی»، «روز شمار حرکت سپاهیان و ناوگان ایران» و «قطعه سوسی لوس» (سوسی لوس نویسنده‌ای یونانی بود که تاریخی در هفت جلد داشته. در قطعه کشف شده از نوشته‌های او روی پایروس به نبرد آرتیمیزیون اشاره شده است). نویسنده در فصل چهارم پیشروی نیروهای خشایارشا را به داخل یونان و تصرف آن تا نبرد دریایی سالامیس و کیفیت بروز آن و نتیجه جنگ را همراه با جزئیات حوادث مربوط به این مقطع آنگونه که روی داده ترسیم می‌کند. در خاتمه این فصل نیز دو پیوست، ضمیمه شده است. در پیوست اول چهار افسانه تاریخی مربوط به سالامیس آورده شده که عبارت‌اند از: «پیام اول تمیستوکلس به خشایارشا»، «گزارش آریس تیدس»، «فرار کودنبتی‌ها» و «موج‌شکن خشایارشا». پیوست دوم نیز نوشتاری است در شناسایی محل و موقعیت جغرافیایی جزیره پسی‌تالیا که در گزارش هرودوت بدون ذکر نام، به آن اشاره شده است. در فصل پنجم و ششم رویدادهای میان نبرد سالامیس تا پلاته، به ویژه در عملیات دریایی سال ۴۷۹ ق. م و وضعیت نیروهای دو طرف در خلال این مدت تشریح می‌گردد. نویسنده در فصل هفتم آخرین آوردگاه ایرانی‌ها و یونانی‌ها در این لشکرکشی یعنی نبرد پلاته را بازسازی می‌نماید. این فصل نیز با سه مطلب به عنوان «پیوست» خاتمه می‌یابد که عبارت‌اند از: ۱- شناسایی منطقه نبرد پلاته شامل گذرگاه‌ها، شهرها و مکان‌های شاخص میدان جنگ، ۲- گواه پلوتارک در باب نبرد پلاته و ۳- سپاه یونان در پلاته.

در آخرین بخش کتاب نیز سه نوشتار به عنوان «پیوست‌های پایانی» ضمیمه شده است که عبارت‌اند از: ۱- معبد دلف و لشکرکشی خشایارشا، ۲- زمان سنج لشکرکشی، ۳- کتیبه تروژن در باب تخلیه آتن. کتاب با فهرست اعلام و کتابشناسی به پایان می‌رسد. از جمله ویژگی‌های شایان ذکر کتاب، چاپ افزون بر چهل عکس و تصویر و طرح و نقشه سیاه و سفید و رنگی از مقولات مورد بحث در متن است که تعدادی از آن‌ها، عبارت‌اند از: «سنگ‌نگاره خشایارشا از تخت جمشید»، «نقشه ساتراپی‌های امپراتوری هخامنشی و مکان‌های مهم باستان‌شناسی»، «نقشه مرزهای خشکی و آبی ایران در دوره دویست و سی ساله هخامنشی»، «نقشه نواحی درگیری‌های ایران و یونان شامل ایالات، شهرها، تنگه‌ها و جزایر و کوه‌های مهم»، «نقشه طبیعی یونان مرکزی و پلوپونز»، «نقشه مسیر ناوگان و نیروی زمینی ایران در لشکرکشی خشایارشا به یونان»، «باقیمانده معبد پارتون بر فراز آکروپولیس»، «نمایی از دشت ماراتن»، «نمایی از گذرگاه تمپ در تسالی که برای ورود به اراضی شمالی ترموپیل مورد استفاده ایرانیان قرار گرفت»، «نقشه منطقه ترموپیل»، «نمایی از تنگه سالامیس»، «نمایی از کوه مقدس المپ»، «باقیمانده معبد آپولوی دلف»، «کتیبه تروژن در باب تخلیه آتن»، «باقیمانده شهر باستانی پلاته»، «نقشه دماغه میکال در ساحل آسیای صغیر»، «دوازده ملل در تخت جمشید».

این معرفی مختصر را با ذکر یک نکته به پایان می‌بریم و آن اینکه چون اثر حاضر پژوهشی مفصل در مورد لشکرکشی خشایارشا به یونان می‌باشد و به جهت استفاده انتقادی و گسترده مؤلف از منابع دست اول، همچنین شرح و تحلیل جزئیات این لشکرکشی بر اساس شرایط زمانی و مکانی و امکانات و قابلیت‌ها و تجهیزات نظامی آن عصر، و به ویژه به لحاظ روش‌شناسی و آشنایی با شیوه پژوهش کتاب، امید است در فرصت‌های بعدی، معرفی مفصل و نقد و بررسی دقیق و تطبیقی آن از سوی محققان و باستان‌پژوهان ارائه گردد.

پانویس‌ها:

- ۱- از جمله این اقوام عبارت بودند از: پارسی‌ها، مادی‌ها، هیرکانیان، آشوریان، باختری‌ها، آریایی‌ها، پارتی‌ها، اسکیت‌ها، هندیان، حبشیان، ساگارتیان، کاسبیان، لیبیاییان که نیروهای زمینی را تشکیل می‌دادند به همراه فینیقیان، مصریان و یونانیان که ناوگان دریایی سپاه ایران را هدایت می‌کردند و آذوقه تجهیزات لازم را حمل می‌نمودند.
- ۲- زرین‌کوب، عبدالحسن: تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۲۳، ص ۷-۱۶۶.
- ۳- هیگنت، چارلز: لشکرکشی خشایارشا به یونان، ترجمه خشایار بهاری، تهران، نشر کارنگ، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۲-۵۲.

مرزهای خشکی و آبی ایران در دوره هخامنشی

